

چند ساعت قبل از انتشار این ترجمه خبر رسید که نویسنده مقاله اصلی زیر آقای عبدالکریم سید قادر در وین پایتخت اطریش توسط مسرور بارزانی و دو تن از همراهان امنیتی وی مورد سوء قصد مسلحانه قرار گرفته است. بر اساس خبرهای منتشر شده در روزنامه های اطریش عبدالکریم سید قادر در این سوء قصد زخمی شده ولی خوشبختانه توانسته است جان سالم به در ببرد. پرونده این جنایت هم اکنون به وسیله مقامات پلیس اطریش در حال بررسی و تعقیب قانونی است.

دولت کردستان عراق تاکنون جمعی از نویسندگان و متفکران منتقد خود را به روش های مختلف سر به نیست کرده است. مورخ معروف کرد "میران" در زمره این دسته از جانبختگانی است که طبق گزارش "شوکت خزندار" عضو پیشین حزب کمونیست عراق او را به دره ای پرتاب کرده و افراد خانواده اش را در محل سکونت آن ها به قتل رسانده بودند.

استراتژی اسرائیل در مورد کردها

نوشته: عبدالکریم سید قادر

برگردان احمد مزارعی

مقدمه مترجم: ترجمه و تلخیصی که در زیر به نظر هم میهنان می رسد برآمده از مقاله ای است که شخصیت مترقی کرد آقای عبدالکریم سید قادر آن را به رشته تحریر در آورده است. دولت کردستان عراق این دانشمند را به علت نوشتن همین مقاله به ۳۰ سال زندان محکوم نموده، آن هم در دادگاهی که وکیل حضور نداشته و بیش از نیم ساعت بیشتر به طول نیانجامیده است. وی در نامه کوتاهی که از زندان به بیرون منتقل نموده چنین نوشته است:

"از من خواستند که گفته هایم را پس بگیرم تا آزادم کنند وگرنه مرا سی سال در زندان نگاه خواهند داشت، اما من حاضر نشدم پای بر روی حقیقت بگذارم."

خوشبختانه اقدامات وسیعی در اروپا برای آزاد سازی وی در جریان است. مقاله او سرشار از افشاگری و ابراز واقعیت های تلخی در کردستان است.

سیاست خارجی کشورها بر پایه سود و زیان آن ها است نه رعایت مسائل انسانی و اخلاق که در بیشتر موارد کلا از میان می رود. سیاست دولت اسرائیل نیز از این قاعده مستثنی نیست. اما باید گفت سیاست دولت اسرائیل در این زمینه دارای خصوصیات متفاوتی است زیرا به دلیل شرایطی که با آن دست و پنجه نرم می کند دولت، دو جنگ را یکی مخفیانه و دیگری را به صورت یک جنگ علنی بر علیه همه کشورهای خاورمیانه به پیش می برد.

می توان این ویژگی سیاست دولت اسرائیل در منطقه را از خلال نوشته های کتاب "از راه فریب" تألیف یکی از جاسوسان اسرائیل به نام "ویکتور استروفسکی" در یافت و مشاهده

نمود که موساد، سازمان جاسوسی اسرائیل در منطقه چگونه عمل می کند. برای اینکه من به یهودی ستیزی متهم نشوم کوشش کرده ام تا عمده اطلاعات را از منابع اسرائیل آورده و چند مورد هم از ماموران امنیتی کرد ذکر کنم که سابقاً با اسرائیل در اعمال جاسوسی شرکت داشته اند و من با آن ها مصاحبه کرده ام. چیزی که در اینجا مایلم خاطر نشان سازم این است که اسرائیل ضرورتاً به معنی دولت یهودیان نیست، زیرا ملت یهود همچون سایر ملل در طول تاریخ چند هزار ساله موجودیت خود خدمات ارزنده ای را به بشریت ارزانی داشته و دانشمندان فراوانی نیز از میا نشان برخاسته اند. باید بگویم اولین شهید کمونیست که در عراق به شهادت رسید یک یهودی بنام ابراهیم عید بود و دهها یهودی مبارز و شرافتمند به خاطر مبارزه در راه آزادی و دفاع از ملت محروم فلسطین در زندانهای دولت اسرائیل بسر می برند. سیاست دولت اسرائیل همانند همه کشورهای اروپایی، سیاستی است ماکیاولیستی که شدیداً بر علیه ملت‌های خاورمیانه اعمال میشود. از این منظر، اسرائیل ملت‌های خاورمیانه را به دو بخش تقسیم می کند یکم آنهایی که دشمنان اسرائیل هستند و دوم کسانی که اسرائیل می تواند از آنها در جهت منافع خود بهره برداری کند. بر این اساس من فکر نمی کنم که اسرائیل در خاورمیانه دارای دوستانی باشد.

در مورد سیاست اسرائیل نسبت به کردها باید بگویم که این کشور کردها را در بخش دوم قرار داده و می کوشد از ما کردها در جهت پیشبرد سیاست‌های منطقه ای و بین المللی خود استفاده کند. اما به قول استروفسکی، کردها در خاورمیانه موقیعت ویژه ای دارند، آن ها در میان مردم چند کشور که همگی مخالف و دشمن اسرائیل هستند پخش شده اند و مورد ظلم و اجحاف قرار می گیرند. استروفسکی در مقاله ای که به مناسبت دستگیری او جلان نوشته بود، چنین توضیح داده بود که اسرائیل می تواند از کردهائی که تحت ظلم و ستم دولتها قرار گرفته اند در جهت جمع آوری اطلاعات بهره بگیرد. از نظر استروفسکی کردها در دروازه شرقی اسرائیل قرار دارند و باید از آن ها به مثابه نگهبان استفاده کرد. اسرائیل با تمام توان میکوشد که از مشکلات کردها حداکثر بهره برداری را بنماید، همانگونه که در گذشته نیز چنین کرده است، اما سؤال ما این است که اجحاف در حق ملت کرد به نفع چه کسانی تمام می شود؟ اسرائیل بارها و بارها از این وضعیت کردها در جهت منافع خود سوء استفاده کرده است. برای مثال هنگامی که کردها در زمان صدام مورد بمباران شیمیائی قرار گرفتند، کسی اعتراضی نکرد، بلکه بعضی کشورها از صدام حمایت کردند. اما اسرائیل با سوء استفاده از این شرایط، در عرصه بین المللی با به راه انداختن تبلیغات، داشتن انواع سلاح ها را برای خود جایز شمرد. استفاده صدام از اسلحه شیمیایی بر علیه کردها در عین

حال یکی از بهانه های مهمی بود که دولت آمریکا جنگ بر علیه عراق را "مشروع" جلوه گر می نمود. این موضوع به ما می فهماند که آنکس که به دیگران اجحاف کند، خود روزی به همان بلا گرفتار خواهد شد.

رابطه اسرائیل و کردها در زمان حاضر

باید یاد آوری کنم که مبارزه آزادی بخش در میان کردها سابقه ای طولانی دارد و پیش از تأسیس دولت اسرائیل در طول بیست قرن گذشته توسط شیخ محمود برزنجی بر علیه استعمار انگلیس برای تأسیس دولت کرد آغاز شده بود. از آن پس قیام مصطفی بارزانی طی سی قرن گذشته و قیامهای مشابهی در کردستان ترکیه و ایران را نمی توان از یاد برد.

روابط میان دولتها به دو صورت انجام می شود، یکی با روشی علنی و رسمی از طریق روابط دیپلماتیک بین المللی و دیگری روابط مخفی که توسط سازمانهای جاسوسی کشورها انجام می گیرد.

دولت اسرائیل به خاطر مشکل فلسطین به طور کلی روابط خود را به ویژه در خاورمیانه با دولتها و گروهها به شیوه مخفی دنبال می کند. بنا به نوشته "دانیل پرت" تحلیلگر سیاسی اسرائیل، دولت اسرائیل دو وزارتخانه خارجی دارد یکی وزارتخانه خارجه که علنی است و دیگری وزارتخانه مخفی و غیر رسمی که به صورت فعالیتهای سیاسی عمل میکند و تحت نظر موساد سازمان جاسوسی اسرائیل است. این دومی مسئول ارتباط با بسیاری از کشورهای منطقه خاورمیانه می باشد و رابطه دولت اسرائیل و کردها از طریق این بخش انجام می گیرد. رابطه کردها و موساد از سالهای شصت میلادی قرن گذشته در شکل نظامی و اطلاعاتی با ملامصطفی بارزانی شروع شد و تا کنون نیز ادامه دارد. در آن زمان میان مصطفی بارزانی و موساد، قراردادی محرمانه به امضا رسید و برای پیشبرد این فعالیتها (فعالیهای سیاسی) در اسرائیل اداره ای تأسیس شد که در آن زمان بیست نفر از شخصیهای مهم سیاسی اسرائیل در آن فعالیت می کردند که موشه دایان وزیر دفاع کشور اسرائیل یکی از همین افراد بود.

حزب دموکرات کردستان عراق عده ای را برای آموزش دوره های نظامی و اطلاعاتی به اسرائیل فرستاده بود که فرزندان مصطفی بارزانی یعنی مسعود و ادریس نیز در بین همین گروه برای تعلیمات ویژه به اسرائیل اعزام شده بودند. مصطفی بارزانی نیز در دو نوبت در سالهای ۱۹۶۷ و ۱۹۷۲ از اسرائیل باز دید بعمل آورد. در زمینه مسائل نظامی اسرائیل

اسلحه های روسی را که در زمان جنگ از اعراب به غنیمت گرفته بود در اختیار کردها قرار می داد، اما از تحویل دادن سلاح های پیشرفته همچون موشک و اسلحه های ضد هوایی و ضد هلی کوپتر به

کردها خودداری می کرد. مشکل کردها با داشتن سلاح های قدیمی روسی حل نمی شد زیرا در مناطق صعب العبور کوهستانی کاربرد نداشت، اما این سلاح ها برای جنگ های چریکی طولانی مناسب بود و می توانست لشکریان زمینی صدام را ضعیف کند.

اسرائیل می کوشید تا توازن نیرو را میان کردها و ارتش عراق متعادل نگاه دارد و بدین سان می توانست همشیه کردها را در چنگال خود داشته باشد. در مورد کمکهای مالی دانیال پرت می گوید که سالانه پانصد هزار دلار در اختیار حزب دموکرات قرار می دادند، اما من با اطلاعاتی که از یکی از ماموران امنیتی کردستان "پاراستن" بدست آوردم، دولت اسرائیل این مبلغ را در لفافه ی ترجمه اسناد ربنده شده از عراق به آنان میداد. ماموران مخفی حزب دموکرات کردستان با جمع آوری اسناد مهم از درون ادارات مختلف دولتی در زمان صدام و سپس ترجمه آنها از عربی به انگلیسی در حقیقت پول مزبور را حق الترجمه می دانستند این روابط در سال ۱۹۷۵ پایان گرفت زیرا در این سال دولت آمریکا و اسرائیل و شاه ایران تصمیم گرفتند تا کمکهای خود را به بارزانی متوقف کنند. در این سال، هزاران نفر از نیروهای مسلح کرد مجبور به تسلیم شدند. عده ای به ایران پناهنده شدند. نزدیک به هشت هزار تن از آنان توسط رژیم صدام به اعدام محکوم گشتند. تجربه این مرحله از رابطه میان کردها و اسرائیل بر ما آشکار می سازد که دولت اسرائیل هیچگاه خواستار کمک واقعی و نجات کردها نبود، بلکه به این وسیله می خواست تا ارتش زمینی صدام را در یک جنگ طولانی چریکی ضعیف کند و بر این اساس اسلحه و اطلاعاتی در اختیار کردها قرار می داد. ما نمی دانیم چه اطلاعاتی هم اسرائیلها در مورد کردها در اختیار صدام قرار می دادند. این شیوه تضعیف دو طرف، سیاست اصلی دولت اسرائیل بود. بنا به نوشته استروفسکی، دولت اسرائیل در یک زمان به دو طرف جنگ در سریلانکا و نیروهای مخالف اسلحه و اطلاعات میرساند تا هر چه بیشتر عمر جنگ طولانی تر گردد. ما کردها در آن دوره، ضربه بسیار سختی از خیانت سه کشور ایران، آمریکا و اسرائیل متحمل شدیم. در سال ۱۹۷۵ هزاران نفر از کردها و خانواده های شان قتل عام و آواره شدند، صدها روستا با خاک یکسان شد و رژیم بعث بسیاری از این خانواده را با وضع فاجعه باری به مناطق دور دست عراق و در مرزهای عربستان و

اردن کوچ اجباری داد. این دوره ی پر از درد و رنج، بر روی زندگی و روح مردم کردستان سنگین می کند. متأسفانه باید بگویم که احزاب کرد از آن تجربه تلخ گذشته درس نگرفته و مجدداً پس از شروع مبارزه در سال ۱۹۷۶ به سراغ اسرائیلها رفتند. این عمل کردها خطائی بزرگ و حق ناشناسی بود که در حق اعراب انجام دادند. نمی توان کمکهای فراوانی که بعضی کشورهای عربی در جریان جنگ کردها علیه صدام در اختیار آنان گذاشتند، فراموش نمود. حتی سازمان آزادی بخش فلسطین نیز کمکهای فراوانی به کردها کرد و همچنین محموله های فراوان اسلحه که از شوروی سابق به ما می رسید. در همین زمان حزب کمونیست عراق نیز کمکهای مالی فراوانی در اختیار انقلابیون کرد گذاشت. با این وجود احزاب کرد نمی بایست برای دریافت کمک روی به سوی اسرائیل می آوردند.

پایان این دوره با تهاجم وحشیانه صدام، با آتش کشیدن روستاها و شهرهای کردستان و استفاده از اسلحه شیمیایی بود. نزدیک به هزار روستاهای کردستان تخریب شد. من در این دوره نشنیدم که اسرائیل اقدام به کمک و مساعدت به کردها کرده باشد تا به نوعی آنان را از این کشتار جمعی برهاند. بدتر از همه اسرائیل دوباره حملات صدام را وسیله ای برای توجیه جنگ افروزی خود نمود تا بتواند براحتی به ساخت و نگهداری انواع اسلحه های شیمیایی مبادرت ورزد.

رابطه احزاب کردها و اسرائیل بعد از سال ۱۹۹۰ وارد مرحله دیگری شد به طوری که اسرائیل کوشید ا ینبار کردستان را به پایگاه امنی برای اعمال جاسوسی خود تبدیل نماید و احزاب کرد هم بنا به وضعیت خود به این امر تن در دادند. این اعمال جاسوسی اسرائیل در کردستان موجب وارد آمدن ضربات سختی بر منافع ملت کرد گردید، به ویژه عملیات جاسوسی بر علیه همسایه ما ایران. در سال ۱۹۹۸ دولت ایران بیست نفر از اعضای حزب دموکرات کردستان عراق را که بعضاً از رده های بالای حزب بودند به اتهام جاسوسی دستگیر کرد. دو نفر از آنان در زندان جان باختند و بقیه تاکنون در ایران زندانی اند. این درست است که دولت ایران به کردها ظلم می کند ولی این توجیهی برای جاسوسی نمی تواند باشد. دولت ایران در سالهای ۷۰ و ۸۰ قرن گذشته به صدها هزار نفر از کردان که از عراق فرار کرده بودند، پناهندگی داد و باید بگویم که این خطاهای بزرگ متوجه مسئولان دولتی کردستان است و ملت کرد در این زمینه تقصیری ندارد. رهبران حزب دموکرات که به این اعمال ناشایست همچون جاسوسی بر علیه کشورهای همسایه و به نفع اسرائیل دست می زنند، هیچ گونه منفعتی برای ملت کرد نخواهد داشت. این کار آنان موجب اختلاف و نفاق ما کردها با

کشورهای همسایه امان می‌گردد. بعضی از تحلیلگران اسرائیلی باور دارند که رابطه میان کردها و اسرائیل به نفع کردهاست و دلیل آنان این است که حزب دموکرات کردستان می‌تواند با استفاده از امکانات شرکت مخابراتی اسرائیل بنام BEZEQ به تبلیغات رادیویی بپردازد. ما باور نداریم که این رابطه و استفاده تبلیغاتی از شرکتی اسرائیلی بِنفع ملت ما نیست. زیرا اولاً ما می‌توانیم امکانات دیگر را که در منطقه و با قیمتی ارزان‌تر وجود دارد مورد استفاده قرار دهیم. ثانیاً زیان اخلاقی و سیاسی داشتن رابطه با اسرائیل را هم نخواهیم داشت. از طرف دیگر اسرائیلیها نمی‌توانند با ما رابطه ای سالم و دموکراتیک داشته باشند. زیرا بنا به گفته استروفسکی دولت اسرائیل به کردها با دیده تحقیر می‌نگرد و این تحقیر و تبعیض را می‌شود به وضوح در جامعه اسرائیل در حق کردها ملاحظه کرد. زیرا آنان ما را مسلمان می‌شناسند و من به این سوءاستفاده دولت اسرائیل از کردها واقفم و باور دارم. زیرا که دولت اسرائیل ما را در همین حد بیشتر به رسمیت نمی‌شناسد. توقع بیشتری هم از دولت آپارتاید اسرائیل ندارم. چیز دیگری که باید بگویم این است که هدف دولت اسرائیل از جاسوسی در کردستان فقط کشورهای همسایه نیست، بلکه این تجاوز شامل ملت کرد نیز می‌شود. برای مثال اگر اسرائیلیها بخواهند یکی از مخالفان خود را در کردستان که توطئه آنان را افشا می‌کند سر به نیست کنند، خود به این کار دست نمی‌زنند، بلکه این کار را از طریق خود ما کردها انجام می‌دهند. آنان از احزاب کردستان و افراد آن بر ضد مخالفان سیاسی خود بهره می‌برند. برای مثال میتوان از قتل یکی از استادان دانشگاه صلاح الدین در کردستان نام برد که رئیس حزب دموکرات کردستان در آن جنایت نقش مستقیم داشت. سیاست توطئه‌گرانه اسرائیل در مورد کردها تنها شامل کردستان عراق نمی‌شود. بخشهای دیگر کردستان نیز از مضرات آن در امان نمانده‌اند. نمونه عبدالله اوچلان بارزترین وجه این سیاست است. موساد سازمان جاسوسی اسرائیل نقش اصلی را در ربودن اوچلان رهبر ملی خلق کرد به عهده داشت. وی را از کنیا دزدیده، به ترکیه آورده و وی را دست بسته در اختیار پلیس فاشیست ترکیه قرار داد. ویکتور استروفسکی "مامور عالیرتبه موساد شرح می‌دهد که چگونه از سال ۱۹۹۶ واحد اطلاعاتی معروف به ۸۲۰۰، اوچلان را تعقیب می‌نمود و اطلاعات را در اختیار پلیس ترکیه قرار می‌داد. در این دوره دولت اسرائیل موفق شد چند قرار داد نظامی را با ترکیه به امضا برساند. دولت ترکیه و اسرائیل کوشیدند با کمک یکدیگر اوچلان را ابتدا از سوریه بیرون کنند. اوچلان ابتدا از سوریه به ایتالیا رفت. اما موساد اطلاعاتی را از قبل در اختیار پلیس ایتالیا قرار

داد و موجب شد که دولت ایتالیا تقاضای پناهندگی اوجلان را نپذیرد. وی سپس مجبور شد با پاسپورت قبرسی خود که نام مافروس روزاروس را بر خود داشت به طرف کنیا برود. اما کنیا از مراکز اصلی جاسوسی آمریکا و اسرائیل بود و به همین دلیل، موساد به سادگی توانست اوجلان را در آنجا دستگیر کرده، به ترکیه آورده و در اختیار پلیس ترکیه قرار دهد. اوجلان خود این را می‌دانست که ترکیه بدنبال دستگیری وی می‌باشد و هنگامی که با روزنامه نگار فرانسوی بنام " کریس کوچرا " مصاحبه نمود اظهار داشت: " که من می‌دانم ترکیه با کمک اسرائیل مرا دستگیر خواهد کرد ". اوجلان در زندان در مورد دستگیری خود با وکیلش چنین می‌گوید: " از کنیا حرکت کردیم و در راه در یک کشور خاورمیانه ای احتمالاً " قبرس " فرود آمدیم و از آنجا به ترکیه رفتیم. " اما به احتمال زیاد این کشور خاورمیانه ای اسرائیل بوده است. دولت اسرائیل نسبت به اوجلان دشمنی داشت زیرا موضعگیریهایی وی را در دفاع از مبارزات مردم فلسطین می‌دانست.

در اینجا مجال بحث بر سر این موضوع نیست که دولت اسرائیل در فردای ترور به دولت ایران فشار زیادی وارد / ۷ / قاسملو و دو نفر از یارانش در تاریخ ۱۹۸۹ آورد تا خلبان اسرائیلی به نام آراده که اسرائیل فکر می‌کرد در ایران زندانی است، آزاد نماید. این خلبان اسرائیلی در سال ۱۹۸۶ پس از آنکه هواپیمایش سقوط کرد دستگیر شد و تا کنون سرنوشتی نامعلوم دارد.

در سطور بالا به اختصار به رابطه کردستان و اسرائیل اشاره شد و نتیجه این است که ملت کرد از این رابطه به جز زیان و ظلم و استبداد، چیزی دستگیرشان نشد و ما از ملت‌های منطقه به خصوص همسایگانمان انتظار داریم که حساب ما را با افرادی که با زور، کشتار، زندان و تجاوز به حقوق مردم، حاکمیت خود را بر ما تحمیل کرده‌اند، جدا کنند. آنان درآمدهای ملی ما که شامل حقوق گمرکی، مالیاتها و غیره می‌شود، به حساب و به مصرف خود می‌رسانند. حقوق بشر در کردستان به وضوح پایمال می‌شود. قتل و شکنجه و ربودن افراد وجود دارد. آیا ما با سایر ملت‌های دیگر خاورمیانه که با همین مشکلات و سرکوبگریها روبرویند، فرقی داریم؟ این حاکمان، وابسته به بیگانگان‌اند و به آنان خدمت می‌کنند و آنان نیز در مقابل، حاکمیت اینان را حفظ می‌کنند. ما امیدواریم روشنفکران کشورهای همسایه ما موقعیت ما را در زیر حاکمیت استبدادی درک کنند. اتهام این که ملت کرد وابسته به اسرائیل است، موجب آن خواهد شد که کینه و دشمنی ملت‌های مختلف علیه ما، دامن زده شود. این سیاستها در درجه اول به اسرائیل خدمت کرده و به ضرر ملت کرد است. __.

